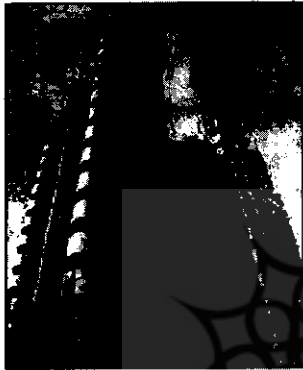


مشکلات معماری مدرن



همان‌طور که پل هزاره نشان می‌دهد معماری مدرن به هیچ وجه کار سهل و آسانی نیست. در کل، عدم قطعیت یکی از مشکلات حرفه‌ای است.

هدف این بود که مانند تیغه‌ای از نور در عرض تایمز باشد، اما برای جمعیتی که از روی این پل گذشتند این تجربه بیشتر شبیه سواری بر روی لوازم تفریحی زهوار در رفته‌ای بود. عابری با دلواپسی نرده‌های پل را در حالی که در هوای طوفانی روز شنبه در افتتاح عمومی آن به شدت تکان می‌خورد چسبیده بودند. و حالا این پل که به‌طور انقلابی برای «معلق بودن به طور افقی» شهرت پیدا کرده بود، باید برای انجام کارهای بنیادی بیشتر بسته شود.

این برای پروژه با اهمیتی که تا همین حالا هم از برنامه عقب مانده بود ضربه بزرگی محسوب می‌شود. در عین حال تنش‌هایی را در بحث‌های در حال غلیان پیرامون معماری مدرن را برخواهد انگیخت.

هر چقدر هم که سنت‌گرایان سعی کنند باز هم جلوی خودشان را در گفتن این که «ما که گفتیم» نمی‌توانند بگیرند و به این عقب نشینی با دیده تمسخر خواهند نگریست.

از همان اول، سرنرمن فاستر، طراح پل بر طبیعت نوآور آن تأکید داشت.

او افزود: «هدف این است که تکنیک را آن قدر گسترش دهیم تا [پل معلق] به صورت بسیار باریک مانند تیغه ظریفی در عرض رودخانه تایمز باشد».

به نظر فوق‌العاده می‌آید، و روی کاغذ هم مطمئن و زیبا بوده، اما در بسیاری مواقع واقعیت خشن‌ترین قاضی معماران پیشتاز است.

دو سال پیش معماری سرشناس بریتانیایی لرد راجرز بهای سنگینی را برای شاهکار دهه ۸۰ خود ساختمان لوید لوزان پرداخت.

لرد راجرز، مهندسان و سازندگان ۱۲ میلیون پوند صرف تعمیرات اثر شیشه و فلز خود نمودند.

کاری که در وهله اول به خاطر طرحی بدیع در نمایان ساختن بخش‌های درون کار مورد تحسین قرار گرفته بود - آشکارا نمایش دادن لوله‌های تأسیساتی و سایر بخش‌هایی که به طور معمول در بنا پنهان هستند - بعداً مورد زنگ زدگی قرار گرفت و انجام تعمیرات ۱۸ ماه به طول انجامید.

لرد راجرز در معرض اخراج بود که شیشه‌های اثر ۲۷ میلیون پوندی او «ساختمان‌های دادگستری» در بوردو، فرانسه یک هفته پس از تکمیل خرد شدند.

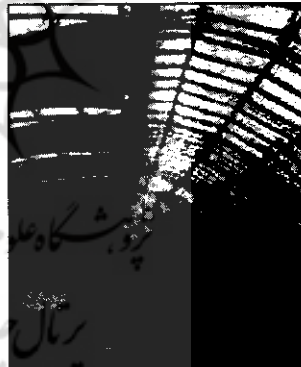
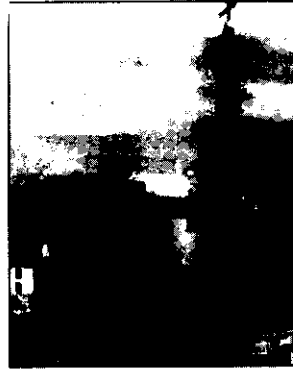
علاقه فرانسویان به معماری مدرن به فجایع قابل توجه بیشتری انجامیده است.

در سال‌های ۱۹۸۰ خانه اپرا باستیل را به دلیل روکارهای شل آن مجبور شدند در تور بیچند و سال گذشته یک پل جدید بر روی سن نیز بلافاصله بعد از افتتاح به دلیل مشکلات مشابه پل هزاره بسته شد.

هر چند آن‌ها هیچ‌کدام در مقابل سرافکنندگی‌های

ناشی از احداث کتابخانه ملی جدید چیزی به حساب نمی‌آیند. تازه بعد از این که هر چهار ساختمان تمام شیشه به پایان رسیدند این فکر به ذهن همه خطور کرد که نگهداری از کتاب‌های با ارزش در نور کامل روز فکر خوبی نیست. در نتیجه مجبور شدیم برای طبقات بالاتر از کرکره استفاده کنند.

دیوید تیلور معاون ویرایش مجله معماران می‌گوید: برای تجربه باید بهایی پرداخت. اگر سعی نکنیم فراتر از حد خودمان عمل کنیم، هیچ‌گاه به عنوان معمار و مهندس پیشرفت نخواهیم



کرد. بعضی بر این باور هستند که اگر مهندسين و معماران وقت بیشتری داشته باشند می‌توانند مشکلات را روی تخته طراحی اصلاح کنند تا این که بعد از افتتاحیه روی خودکار.

مسائل قانونی

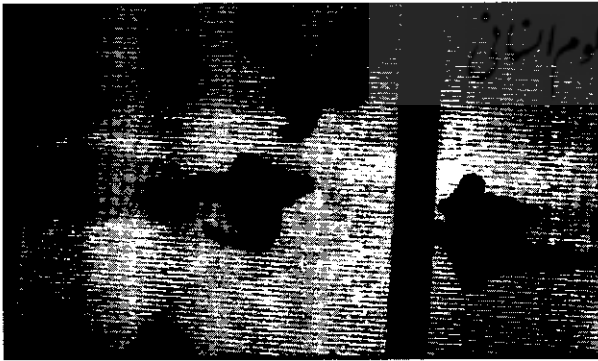
تنی چپ‌من از انستیتو رویال بریتیش ارکتیتکس می‌گوید که معماران و سازندگان همیشه مجبور بوده‌اند که با مشکلات و معضلات اولیه دست و پنجه نرم کنند.

که امروزه به یک مسئله قانونی تبدیل شده است. در گذشته این اشتباهات اصلاح می‌شدند و هیچ‌کس هم از بقیه باهوش‌تر نبود. اما چون ما این فرهنگ را از آمریکائی‌ها به ارث بردیم که همیشه یک نفر را باید مقصر بدانیم، برای همین این موارد تبدیل به یک معضل گشته‌اند.

معماران همواره مجبور بوده‌اند شکست و تحقیر را تحمل کنند. در پاریس سبک گوتیک قرن ۱۲ این امکان را فراهم ساخت تا بناهای بلندتر و وسیع‌تر با پنجره‌های بیشتر ساخته شوند. اما در کلیسای جامع یوه معماران به آرزوی خود در ساختن بلندترین رواق تحقق بخشیدند. در سال ۱۲۸۴ قسمت کر فرو ریخت. فرانک روید رایت که به احتمال قوی برجسته‌ترین معمار قرن بیستم است به هیچ وجه به علت سقف‌های بناهایش که چکه می‌کردند کوتاه نمی‌آمد و در پاسخ به یکی از مشتریان گفته بود، «این طوری که می‌فهمید که سقف است».

طرح کامپیوتری

با این که معماران همیشه از ماکت برای امتحان طرح‌هایشان استفاده می‌کردند، امروزه از طرح‌های



کامپیوتری برای انجام محاسبات پیچیده ساختمان و طراحی بهره می‌برند. آیا این امکان وجود دارد که زیادی به میکروچیپ‌ها وابسته شده‌اند؟

آقای چپ من این طور فکر نمی کند، هر چند قبول دارد که تست های کامپیوتری «تجربه انسانی» در زمان مشاهده یک بنا و یا یک پل را مورد توجه قرار نمی دهند.

بریتانیایی ها از قدیم همیشه با معماری مدرن ارتباط خوبی نداشته اند. دیوید تیلور تصدیق می کند که این شاید توجیهی باشد بر این که چرا مردم انگلیس زمانی که این بحث به میان می آید که طرح های نو در حال افول هستند حالت مدافعی به خود می گیرند.

سررمن فاستر با توجه به مشکل پل هزاره ای که طراحی کرده است می تواند با دیدگاه فرانک لوید رایت به کار آرامش پیدا کند.

زمانی که لوید رایت خانه آبشار خود را طراحی کرد، بسیاری به وی گفتند بتون تیربازویی کارساز نخواهد بود، اگر به طور فیزیکی غیر ممکن نباشد. اما او توجهی نکرد و کار خود را انجام داد و بنایی را احداث نمود که از آن زمان به عنوان بهترین اثر معماری آمریکا شناخته شده است.

معمار باید راهبر باشد. این گفته لوید رایت است که اگر او نتواند ده سال پیشتر را ببیند، پس او را یک معمار خطاب نکنید.

اندیشه های بر معماری در آغاز قرن

آنتونی کاتسیماتیدز

معماری در آغاز قرن

ما در عصر اطلاعات زندگی می کنیم. آمریکایی ها به خودشان می بالند که هر آن چه را که تلویزیون قرار است برای ما پخش کند آنها می دانند تصاویری که ما از دنیای ساخته شده و طراحی شده اطراف خودمان می بینیم همگی نشانه ها و تصاویر دستکاری شده ای هستند که

ما در طول قرن بیستم آنها را احداث و بارها مجدداً آنها را از نو ساخته ایم. معماری در آغاز قرن بیست و یکم ترکیبی است از تجلی تکنولوژی، عقاید، سبک ها و فرم های تخیلی. معانی که درباره یک کار طراحی برجسته به کار گرفته می شوند در اکثر اوقات تلاشی فراگیر هستند برای موجه نشان دادن مباحثی تحلیلی که بیشتر تئوری هستند تا عملکردی. که این مسئله کاملاً درباره دستاوردهای اولیه در مبلمان توسط مدرنیست ها مانند گریت ریتولد و حتی هم چنان درباره مبلمان مقوایی فرانک گری صدق می کند.

صندلی گریت ریتولد ۱۹۱۸ و فرانک گری ۱۹۷۳

آن چه که معماری معماران و طراحان امروز را متمایز می سازد و موفقیت آنها در ادغام کاربردی بودن طرح هایشان است که البته برای نسل های گذشته کاملاً مسخره به نظر خواهد آمد. ما حوزه خطی بودن را پشت سر گذاشته ایم و خویشتن را با فرم هایی که از لحاظ بصری جای بازی بیشتر دارند و محرک بهتری نیز هستند شناسانده ایم. محرک بصری البته فعلاً فراگیرتر است.

دانیل لیبسکیند موزه، برلین ۱۹۹۹

هر نسل معماران و برنامه ریزان باید معماری را برای زمان خود از نو تفسیر کند. و هر بار که معماری از نو تفسیر می شود، معنی جدیدی بر روی پی های که اصول طراحی را هدایت می کنند افزوده می شود. در سال های اخیر، تلاش نمودند تا معماری مبنی بر اتحاد ایجاد نمایند، رها نمودن بنا از تعهد فرهنگی و حمایت از حقوق توده مردم. کوتاه زمانی بعد نسل جوان تر در مقابل این عقاید اعتراض نمود و زبان اصول پایه و بنیادی را که اصول طراحی فرهنگ غربی را به هم متصل می داشت تفسیری مجدد نمود. البته من درباره حرکت مهم معماری قرن بیستم صحبت می کنم.